

سرپرست اتحادیه آسانسور و پله برقی کرمان:

آمار مربوط به حوادث آسانسور در کرمان بالاست

اسما پورزنگی آبادی

سال‌های زیادی است که درباره ناایمن بودن بازار تاریخی کرمان در برابر آتش‌سوزی هشدار داده می‌شود. وضعیت به گونه‌ای است که یک جرعه کوچک در یکی از انبارهای موجود در بازار می‌تواند فاجعه‌ای را رقم بزند که نه فقط بازار که حتی یک شهر را مصیبت‌زده کند. خدا کند کرمان هیچ‌وقت چنین روزی را به خود نبیند. اما تنها با دعا و آرزو کردن که نمی‌توان جلوی حادثه را گرفت. برای افزایش ایمنی بازار باید کارهایی انجام شود ولی به نظر می‌رسد این مسئله در کرمان در اولویت نیست. هیچ‌وقت اولویت نبوده است. احتمالا همه به لودرها دلخوش کرده‌اند؛ همان لودرهایی که سال ۸۹ در جریان یک حادثه آتش‌سوزی، کاروانسرای ارزشمند «جر» در مجموعه بازار تاریخی را با خاک یکسان کردند تا جلوی سرایت آتش به سایر بخش‌های بازار را بگیرند.

در حالی که افزایش ایمنی بازار بی‌توجهی می‌شود که مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری کرمان در گفت‌وگو با فردای کرمان اظهار می‌کند: «هم درباره آتش‌سوزی و هم سایر حوادث احتمالی در بازار نگرانیم.» ابراهیم بابایی سپس با ارائه توضیحاتی، نقش میراث‌فرهنگی و اتاق اصناف را یادآور می‌شود و تصریح می‌کند: «ما در حوزه ایمنی بازار کرمان تنها مانده‌ایم.»

او ادامه می‌دهد: «ما به‌عنوان سازمان آتش‌نشانی که متولی و مسئول و نگران ایمنی و پاسخگوی حوادث در شهر هستیم برای بازار هرچه قدم باید برمی‌داشتیم برداشته‌ایم.»

او توضیح می‌دهد: «از سال گذشته تاکنون حداقل سه مرتبه همه حجره‌های بازار بازدید شدند و حداقل دو مرتبه متناسب با شرایط حجره‌ها هشدار کتبی دادیم و از بازاریان امضا گرفتیم. مردم و بازاریان خودشان می‌دانند وضعیت ایمنی بازار مشکلاتی دارد. به ویژه تجربه آتش‌سوزی در کاروانسرای تاریخی جر را همه به یاد دارند که به دلیل حجم بالای آتش‌سوزی این بنا را از دست دادیم اما متأسفانه اقداماتی که لازم است انجام نمی‌شود.»

بابایی می‌گوید: «بافت بازار یک لایه دارد

مدیرعامل آتش‌نشانی کرمان مطرح کرد:

نگران آتش‌سوزی در بازار کرمان هستیم



دائم آتش‌نشانی در بازار اظهار می‌کند: «در بازار کرمان کسانی هستند که تجربه آتش‌سوزی را دارند و می‌گویند تمام اموال‌مان را از دست دادیم و ورشکست شدیم. خیلی کار سختی نیست که جلوی تکرار این اتفاقات را بگیریم.»

بابایی می‌گوید: «ما باید وظیفه‌مان را انجام دهیم ولی بدون هماهنگی میراث‌فرهنگی نمی‌شود و بدون کمک اتاق اصناف کار سخت می‌شود.»

مدیرعامل آتش‌نشانی کرمان در پاسخ به این پرسش فردای کرمان که تذکراتی که به حجره‌داران بازار تاریخی داده‌اید بیش‌تر در چه زمینه‌هایی بوده است؟ توضیح می‌دهد: «تقریباً به همه مغازه‌داران تذکر دادیم.

در قریب به اتفاق انبارها چیدمان مناسب نیست و اگر آتش‌سوزی در انبار رخ بدهد مغازه جلوی آن هم حتماً می‌گیرد. نکته بعدی اتصالات و سیم‌کشی برق است که ۷۰ درصد حجره‌ها در این مورد مشکل دارند.»

وی می‌افزاید: «الان فصل سرماست و سیستم‌های گرمایشی فعال شده است. به خصوص کسانی که بخاری برقی استفاده می‌کنند ممکن است سیم‌کشی آن‌ها متناسب با میزان مصرفی که دارند نباشد و این مسئله ایجاد می‌کند.»

وی اضافه می‌کند: «بخشی هم به عدم آگاهی درباره عوامل بروز آتش‌سوزی برمی‌گردد.»

بابایی در همین حال می‌گوید: «با وجود اینکه مصوباتی داریم که در قبال آموزش‌ها باید هزینه دریافت کنیم ولی اگر بازاریان تمایل داشته باشند، مجوز آن را می‌گیریم تا برای آن‌ها دوره‌های رایگان آموزشی برگزار کنیم بدین و مشاوره و کمک بدهیم تا سامانه‌های اطفای حریق راه‌اندازی شود.»

بازار تاریخی کرمان مجموعه‌ای در هم تنیده است که علاوه بر مغازه‌داران و مشتریان آن‌ها از جمله مقاصد مهم گردشگری در استان نیز به‌شمار می‌رود و در ساعات مختلف شبانه‌روز افراد زیادی در این مجموعه در رفت‌وآمد هستند؛ از این رو، نیاز است که تامین ایمنی بازار به‌عنوان یک اولویت در دستور کار همه نهادهای متولی قرار بگیرد.

فردای کرمان که چند ماه پیش مدیرکل سابق میراث‌فرهنگی استان از آمدگی این نهاد برای راه‌اندازی ایستگاه خبر داد، چرا کار پیش نمی‌رود؟ توضیح می‌دهد: «متأسفانه هیچ اتفاقی تاکنون نیفتاده است. آن زمان گفتند موضوع را بررسی و هماهنگ می‌کنیم. من خودم شخصا پیگیر این موضوع بوده‌ام. ظاهراً تمایلی برای اینکه چنین اقدامی انجام شود وجود ندارد.»

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری کرمان می‌گوید: «برای تامین ایمنی بازار کرمان هم میراث‌فرهنگی باید بخواهد و هم اتاق اصناف باید کمک کند که بازاریان پای کار باشند.»

او با اشاره به آمادگی شهرداری برای تجهیز ایستگاه آتش‌نشانی بازار اظهار می‌کند: «از آنجا که بازار یک بنای تاریخی است، اگر در جریان آتش‌سوزی‌ها آب استفاده شود بنا آسیب جدی می‌بیند. برای اینکه چنین مشکلی پیش نیاید آخرین تکنولوژی روز دنیا که برای اطفای حریق در چنین مکان‌هایی به‌کار می‌رود را پیش‌بینی کردیم.»

وی می‌افزاید: «با حدود چهار میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان هزینه سامانه اطفای حریق ویژه بازار را تهیه کرده و الان آن را آماده داریم اما نیاز داریم میراث‌فرهنگی جایی که مناسب استقرار شبانه‌روزی همکاران ما باشد و امکانات اولیه را داشته باشد در اختیار ما قرار دهد.»

او با اشاره به اهمیت راه‌اندازی ایستگاه

که مردم و بازاریان آن را می‌بینند ولی در لایه‌های پشت بازار ساختمان‌های فرسوده با قدمت بالا وجود دارد که برخی هم در حال فروریختن هستند اما به انبار تبدیل شده و استفاده تجاری از آن می‌شود. برخی انبارها وضعیت بسیار بسیار خطرناکی از لحاظ آتش‌سوزی دارند.»

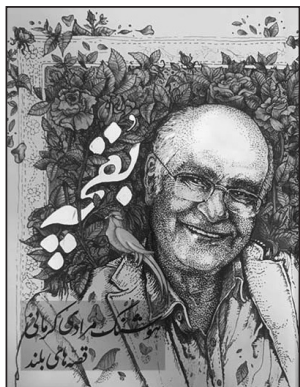
بابایی می‌افزاید: «امیدوارم اتفاقی در بازار نیفتد اما اگر با شرایط فعلی حادثه‌ای رخ بدهد ممکن است پیامدها تا حدی باشد که نتوان آن را کنترل کرد و ممکن است سرمایه عظیمی از مردم و بازاریان از دست برود.»

مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی شهرداری کرمان یادآور می‌شود: «الان ماشین‌های آتش‌نشانی امکان ورود به بازار ندارند.»

او با ابراز نگرانی نسبت به وضعیت ایمنی بازار و با تاکید بر همکاری میراث‌فرهنگی و اتاق اصناف برای حل مشکلات می‌افزاید: «بنده پیش‌تر قول داده‌ام و الان هم قولم را تکرار می‌کنم که حاضرم در بازار ایستگاه آتش‌نشانی راه‌اندازی کنیم اما به شرطی که میراث‌فرهنگی مکان مناسبی در اختیار ما قرار دهد.»

شایان ذکر است، حداقل از اوایل دهه نود موضوع راه‌اندازی ایستگاه دائمی آتش‌نشانی در بازار تاریخی کرمان مطرح است. هریک از مسئولان چه در میراث‌فرهنگی و چه در شهرداری وعده آن را داده‌اند اما وعده‌ها از روی کاغذها و تیتیر رسانه‌ها فراتر نرفته است. بابایی در پاسخ به این پرسش

بقچه خواندنی قصه‌های هوشنگ مرادی کرمانی



پلوخورش، ته خیار، قاشق چای‌خوری در ۹۰۲ صفحه خواندنی شده است و در بقچه دیگر داستان‌های بلند مرادی شیرین، مهان مامان، نخل، نه تر و نه خشک، خمره، مشمت بر پوست، ماه شب چهارده، نازبالش و آب انبار در ۸۵۳ صفحه جمع شده‌اند.

اقدام انتشارات معین و مرادی کرمانی بسیار حائز اهمیت است چراکه کار را برای دوستداران قصه‌های مرادی کرمانی آسان کرده تا هم بتوان به مجموعه داستان‌ها در بقچه دسترسی داشت و هم انتخابی عالی را برای هدیه دادن در اختیار علاقه‌مندان کتاب گذاشته است.

مرادی کرمانی متولد روستای سیرچ است. جایی که حضوری مستمر و پررنگ در قصه‌هایش دارد. قصه‌هایی که بوی پونه می‌دهند. از صدای بلبل‌های هزاردستان، موسیقی رودخانه و استواری سرو سیرچ لبریزند. در قصه‌هایش گرچه معمولاً طنزی تلخ را می‌خوانیم اما مرادی شیرینی کتابخوانی را به خوشمزگی رطب‌های بزمی خانه مادری‌اش در شهداد در خاطر بسیاری نشانده و بسیاری را کتابخوان کرده است.

بقچه پته را برداریم. بقچه مرادی کرمانی را در آن بپیچیم و به یکدیگر هدیه دهیم.

قبول افتد و چه در نظر آید.

بقچه دو جلدی است یک جلد شامل قصه‌های کوتاه و جلد دیگر دربرگیرنده قصه‌های بلند مرادی کرمانی به‌غیر از شما که غریبه نیستید و قصه‌های مجید است. بقچه با قصه کوچکی ما خوشبخت‌ها شروع می‌شود که در سال ۱۳۴۹ در کتاب معصومه و دو سال قبل‌تر از آن در مجله خوشه چاپ شده است.

یکی از بقچه‌های مرادی کرمانی با قصه‌های کوتاه کتاب‌های تنور و داستان‌های دیگر، لبخند انار، بچه‌های قالیبافخانه،

کار بردن و رواج واژه‌ها و نام‌های در حال فراموشی یا فراموش‌شده، پیوسته همت گماشته. او [مرادی کرمانی] طبق معمول به انبان خاطره‌های خود ناخنک زد و چنین گفت: «مادر بزرگم زنی پخته و آداب‌دان بود. هر وقت می‌خواست هدیه‌ای به مناسبتی برای کسی بفرستد آن را می‌گذاشت تو سینی و سینی را می‌گذاشت تو بقچه، که «پته» بافت کرمان بود یا «ترمه پزد» که هر دو نقش و نگارهای زیبا و جنس عالی و مرغوب داشتند. بقچه را می‌داد بغل من یا می‌گذاشت روی سرم و می‌گفت «مثل بچه آدم با دقت و مواظبت ببر به خانه فلانی و بگو ناقابل است. اگر هم جایش چیزی دادند فوری نگیر، تعارف کن، زور که آوردند بگیر و ببار». یک یا دو بار از شما چه بنهان پیام را تو یک کفش کردم که به جان بی‌بی نمی‌برم و من باب تعارف گفتم «خودتان گفتید قابل ندارد. لایق بی‌بی نیست». بی‌بی دعوا می‌کند که: «چرا مثل گداها چیز قابل‌ندار و به دردخور را برداشتی آوردی. اگر قله‌سنگ هم می‌دادند محض احترام می‌آوردی؟!». کار من شده بود هی چیز قابل‌ببر و هی چیز ناقابل‌بیار!

ما قانع شدیم اسم بسته‌های کتابمان را بگذاریم «بقچه قصه‌های کوتاه و بلند» تا چه

عباس تقی‌زاده

دکترای ارتباطات، پژوهشگر و روزنامه‌نگار

در کودکی وقتی به مهمانی می‌رفتم یا از سفر مشهد و... برمی‌گشتم مادرم سوغاتی‌ها را در بقچه می‌گذاشت و به خانه همسایه‌ها می‌بردیم. بقچه کارکرده‌های دیگری هم داشت. برای نگهداری ظرف غذا، لباس و... که معمولاً پارچه‌ای از جنس بالارش و مرغوب مثل پته و مخمل بود. اما این روزها بقچه؛ خواندنی شده است. بقچه‌ای پر از قصه در دو جلد را انتشارات معین از قصه‌های استاد هوشنگ مرادی کرمانی منتشر و در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است.

مرادی کرمانی چند سالی می‌شود در اوج نویسندگی از دنیای نوشتن خداحافظی کرده و بر خلاف بسیاری از نویسندگان در برابر وسوسه برای نوشتن، قلم را کنار گذاشت تا به ورطه تکرار نیفتد. با انتشار بقچه نشان داد بر تصمیم خود ایستاده است. درباره دلیل انتخاب نام «بقچه» مدیر انتشارات معین در ابتدای کتاب بقچه از قول استاد هوشنگ مرادی کرمانی نوشته است: «در خصوص انتخاب نام «بقچه» از نویسنده یاری جستیم که در نوشته‌های خود در به

عتیقه‌های قاچاق به مقصد نرسید؛

کشف ۵۰۳ قطعه سکه عتیقه در ایستگاه راه‌آهن بم

گروه جامعه: فرمانده پلیس راه‌آهن کشور از کشف ۵۰۳ قطعه سکه عتیقه قاچاق در راه‌آهن کرمان خبر داد و گفت: «در راستای مقابله با معضل شوم قاچاق و قاچاقچیان کالا و ارز در پلیس پیشگیری قراچاق ماموران پلیس راه‌آهن مستقر در ایستگاه بم حین کنترل و بازرسی وسایل همراه مسافران به بار همراه ۲ نفر از آنان مشکوک می‌شوند.»

سردار حشمت‌الله ملکی افزود: «ماموران مستقر در سالن مسافری به وسیله دستگاه آشکارساز، وسایل همراه مسافران مورد اشاره را به‌صورت دقیق پایش و تعداد ۵۰۳ قطعه سکه عتیقه فاقد مجوز حمل را که به‌صورت ماهرانه‌ای داخل ساک مسافرتی جاسازی شده بود، کشف کردند.»

وی با بیان اینکه کارشناسان ارزش سکه‌های مکشوفه را ۱۰۰ میلیارد ریال برآورد کرده‌اند، ادامه داد: «پرونده قضایی در این خصوص تشکیل شده و موضوع تحت رسیدگی است.»

به گزارش ایرنا کرمان، فرمانده پلیس راه‌آهن کشور با اشاره به ادامه تحقیقات از متهمان برای شناسایی نحوه فعالیت این افراد در تهیه سکه‌های عتیقه و رابطن آن‌ها گفت: «قاچاق اشیاء عتیقه و آثار باستانی، تاراج فرهنگ و تاریخ کشور به شمار می‌رود که در این رابطه از شهروندان می‌خواهیم در صورت اطلاع از فعالیت افراد سودجو و قاچاقچیان عتیقه مراتب را به پلیس اطلاع دهند.»